

کتابخانه: پیوندگاه تحقیقات

دکتر محمد حسین دیانی *

پرسش اساسی این است که کتابخانه و کتابداری در فراهم آوردن تحقیقات رده اول گذشته برای تحقیقات فعلی و آینده چه نقشی بر عهده دارند. برای پاسخگویی به این پرسش ابتدا چهار نوع رابطه رقابتی، رابطه موازی، رابطه نیایی و رابطه وسیله ساز بین تحقیقات شرح داده شده است و پس از آن ضمن تشریح تفاوت آشنایی تاریخی و مقطعی چهار سطح مختلف آشنایی با تحقیقات تشریح شده است. از ارتباط موارد بالا الگویی برای بهره گیری محققان از تحقیقات رده اول گذشته فراهم آورده شده است و در آخر نقش کتابخانه و کتابداران در یاری رسانی به محققان از طریق بهبود عملکردها و حذف ضرورت عملکردها توصیف شده است.

مقدمه

در چند سال گذشته کتابها و بویژه مقالات بسیاری در مورد اهمیت تحقیق در توسعه به نگارش در آمده است. در اکثر این نوشته‌ها بر نقش اطلاعات در تحقیق تأکید شده است و در عمل نیز تعداد زیادی مرکز اسناد با هدف یاری رسانی به تحقیق به وجود آمده است. به باور این نگارنده، مهمترین نظریه‌ای که مراکز اسناد بر اساس آنها شکل می‌گیرند ارتباط بین اصول تجربی زیر است.

توسعه به دانش نیاز دارد، دانش از تحقیق حاصل می‌شود (اسدی، ۱۳۷۱)، برای کشف دانش تازه استفاده از دانش قدیمی ضروری است، دانش قدیمی در صورتی می‌تواند برای کشف دانش تازه مورد استفاده قرار گیرد که نظام دهی شده و در دسترس باشد، کتابداران، اطلاع رسانی و طراحان نظامهای اطلاعاتی موظفند دانش مکتوب را برای استفاده در آینده سازمان دهی کنند و در دسترس محققین قرار دهند (آذرنگ، ۱۳۷۱، ص ۲۸۰).

* - دکتر محمد حسین دیانی، عضو هیأت علمی گروه کتابداری دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.

با پذیرش اصول تجربی بالا، بسیار با اهمیت است که کتابداران و اطلاع رسانیان بدانند تحقیقات گذشته چگونه و به چه ترتیب برای فعالیتهای آینده مورد نیاز می باشد. دو پرسشی که در این زمینه می توان عنوان کرد این است که:

۱- چه مقدار و کدام نوع از معلومات مربوط به تحقیقات گذشته در شکل دهی و هدایت تحقیق تازه به کار گرفته می شود؟

۲- آیا تنها روش و بهترین روش کسب اطلاعات از تحقیقات پیشین، مطالعه متن اصلی آن تحقیقات است؟

پاسخ مناسب به دو پرسش بالا می تواند در مجموعه سازی مراکز اسناد و در ارائه خدمات به محققان نقش داشته باشد. اگر توجه خود را بر روی نیازهای برخاسته از تحقیق متمرکز کنیم و نه بر نیازهای محققان در سایر نقشها و فعالیتهای، و بپذیریم که متنهاى رده اول علمی که نتایج کوششهای محققان را در به دست آوردن دانش نو و یا درک جدیدی از امور عرضه می کنند، به دلایل خاصی مورد مطالعه قرار می گیرند، در آن صورت ابتدا باید به بررسی دلایل و یا اهداف مطالعه تحقیقات گذشته بپردازیم. برای پی بردن به این دلایل باید هم راههایی که از طریق آنها تحقیقات گوناگون به یکدیگر پیوند داده می شوند شناسایی شود، و هم انواع و درجات متفاوت آشنائی با تحقیقات که هر شخصی از مطالعه گزارشهای تحقیقی می تواند در نظر داشته باشد مدنظر قرار گیرد. از پیوند بین این دو مورد می توان به نتیجه ای ساده و عمومی در باره اهداف گردآوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق دست یافت.

روابط بین تحقیقات

تحقیقات به چهار شکل متفاوت با یکدیگر در ارتباط می باشند (ویلسون Wilson، ۱۹۷۹). این چهار شکل عبارتند از رابطه رقابتی (Competitive relation)، رابطه موازی (Parallel relation)، رابطه نیائی (Ancestral relation) و رابطه وسیله ساز (Donor relation). در زیر هر یک از موارد بالا به نسبت اهمیتشان در خدمات اطلاع رسانی مورد توجه قرار گرفته است.

۱- تحقیقاتی که با یکدیگر در رقابت مستقیم هستند. محققى ممکن است آگاه باشد که دیگران نیز دست اندرکار تحقیقی با اهداف و روشهای مشابه با تحقیق وی هستند و می کوشند

زودتر از دیگران به دانش جدیدی که منافع اقتصادی، سیاسی ... کشور، گروه یا سازمان مشخص را تأمین می‌کند دست یابند. تعداد تحقیقاتی که با هدف سبقت جستن بر دیگران در دست انجام‌اند نسبتاً زیاد است. رقابت تحقیقاتی برای دستیابی به قدرت برتر نظامی در دوران جنگ جهانی دوم، رقابت تحقیقاتی برای تسخیر فضا در دو دهه گذشته و رقابت تحقیقاتی بین صنایع الکترونیکی نمونه‌های برجسته و همه روزه تحقیقات رقابتی است.

۲- تحقیقات موازی. دیگران ممکن است درگیر تحقیقی با اهداف و روشهای کاملاً یکسان با تحقیق محقق باشند، ولی رقابتی در کار نباشد. دو مردم شناس که بررسی مشابهی در قبائل متفاوت انجام می‌دهند و یا دو پزشک که ترکیب مشابهی را با عنوان یکسان برای درمان بیماری ناشناخته‌ای مورد بررسی قرار می‌دهند، به تحقیقات موازی پرداخته‌اند. در این مورد رقابت آشکاری در بین نیست، بلکه یافتن آنچه مورد جستجو می‌باشد با اهمیت است و به همین جهت گاه بین این محققان نوعی مبادله علمی برقرار می‌شود.

۳- تحقیقات نیائی. تحقیقاتی هستند که کار محقق بر شالوده آنها بنا می‌شود و یا از بطن آنها نشأت می‌گیرد. ساده‌ترین دلیل برقراری پیوند بین یک تحقیق و تحقیقات قبلی این است که محقق از آنچه قبلاً در باره موضوع دانسته شده آگاه شود و زمینه لازم را برای تحقیق خود فراهم آورد (دیانی، ۱۳۶۸ و مور، ۱۳۷۱، ص، ۴۵ - ۴۶). اما این دلیل بسیار مبهم است و باید قدری دقیق‌تر به آن پرداخته شود. چهار دلیل مشخص می‌توان برای مطالعه تحقیقات نیائی برشمرد.

اولین و آشکارترین دلیل ضرورت پیوند بین تحقیقات این است که محقق از وضعیت فعلی دانش رشته مورد نظر آگاه شود. در ابتدای هر تحقیق تعدادی پرسش مطرح می‌شود. دو مورد مهم آن عبارتند از:

در حال حاضر چه چیزهایی شناخته شده است و چه چیزهایی هنوز ناشناخته مانده است. چه فرضیه‌هایی مورد توجه هستند و بر روی آنها کار می‌شود؟ چه مفاهیم و چه ابزارهایی برای استفاده در تحقیقات بعدی در دسترس است.

دومین دلیل برای مطالعه تحقیقات نیائی اطمینان یافتن از پرداختن به کاری جدید و نپرداختن به کاری تکراری است. این مورد بویژه به لحاظ کمبود منابع مادی و انسانی بویژه در تحقیقات دوره‌های دکتری با اهمیت تلقی می‌شود.

سومین دلیل نیاز به برقراری رابطه منطقی و تاریخی بین تحقیق محقق و گروه مشابهی از تحقیقات قبلی از همان پدیده یا همان مسئله مورد بررسی است (دیانی، ۱۳۶۱، ص، ۴۲). این

مورد بویژه ضرورتی اجتماعی برای پذیرش تحقیق توسط جامعه علمی است. محققان حرفه‌ای برای کارهای علمی استانداردهایی دارند که یکی از آنها آشنایی محقق با تحقیقات قبلی و نمایش این آشنایی به صورت ارجاعات بجا و به موقع به تحقیقات قبلی در تحقیق جدید است. این استاندارد نه تنها در مورد کسانی که قرار است به جمع محققان رشته مورد نظر بپیوندند صادق است، بلکه در مورد کسانی که عضوی پذیرفته شده از جامعه محققان هستند نیز صادق می‌باشد.

چهارمین دلیلی که برای مطالعه تحقیقات نیایی عرضه می‌شود جلوگیری از تکرار اشتباهات و فراهم آوردن زمینه لازم برای بهره‌گرفتن از تجربیات دیگران است. این مورد در صورتی صادق می‌باشد که محققان قبلی در گزارش تحقیقات خود اشتباهات و تجربیات دردآور خود را عنوان کرده باشند. ولی معمولاً چنین نیست و در گزارش تحقیق چهره عمومی و نه چهره خصوصی تحقیق شرح داده می‌شود.

۴- تحقیقات وسیله ساز. تحقیقات وسیله ساز تحقیقاتی هستند که از طریق فراهم آوردن ابزارهای پژوهش، مواد خام، مسائل قابل بررسی، شواهد و الهامات به اجرای تحقیقات در سایر رشته‌ها کمک می‌کنند. در این باره نیز به چهار مورد اشاره می‌شود.

تحقیقات سایر رشته‌ها ممکن است برای تحقیق محقق ابزارهای فیزیکی یا ابزارهای مفهومی نظیر تئوری‌ها، مفاهیم، روشها و فنون فراهم آورند. بسیاری از تئوریها، مفاهیم، روشها و فنون اطلاع‌رسانی و کتابداری از سایر رشته‌ها به این رشته آورده شده‌اند. فانون زیف (Zipf ۱۹۳۲)، بردفور (دیانی، ۱۳۶۱، ص. ۱۲۹)، لورتکا (Nichills ۱۹۸۹، ص ۲۳۹) سه نمونه شناخته شده در این مورد هستند. فن پرسش باز در مصاحبه مرجع (Jennerich ۱۹۸۷، ص ۱۳) که از رشته مشاوره به کتابداری و اطلاع‌رسانی راه یافته است مثال دیگری از این مورد است.

تحقیقات سایر رشته‌ها ممکن است پشتوانه مثبت یا منفی برای مفروضات، یافته‌ها و روشها تحقیق محقق فراهم آورند. پشتوانه مثبت ضرورتاً تحقیق محقق را تسهیل نمی‌کند ولی موقعیت محقق را در تحقیق خود استحکام می‌بخشد. پشتوانه منفی، بویژه در بدترین شکل خود، ممکن است نادرستی طرح زیربنایی تحقیق را آشکار سازد.

تحقیقات سایر رشته‌ها ممکن است با ارائه ایده‌ای خوب، انگیزه لازم را برای خلاقیت ذهن محقق فراهم آورند. فکر عالی وب (E.J. Webb، ۱۹۶۶) در بکارگیری روشهای غیر واکنشی (Nonreactive research) در تحقیقات اجتماعی، تخیل محقق به نام ترنس چیلدر (دیانی، ۱۳۶۹) را برای استفاده از تلفن در ارزیابی خدمات مرجع به کار انداخت. وی با روشی که به کار

برد واقعیت ضعف خدمات مرجع را در کتابخانه‌های عمومی ایالت نیوجرسی به نمایش گذارد. پس از نگاهی گذرا به چهار گونه پیوند تحقیقات، لازم است به انواع و سطوح متفاوت آشنایی با تحقیقات قبلی پرداخته شود.

انواع آشنایی با تحقیقات گذشته

برای هیچ محقق ضروری نیست که با بخش زیادی از کارهای علمی آشنا باشد، بلکه آشنایی با بخش کمی از آن کارها کافی خواهد بود. همچنین ضروری نیست که محقق همیشه و برای همه تحقیقات در سطح واحدی با تحقیقات دیگران آشنا باشد. بدین جهت در ابتدا دو نوع آشنایی و سپس چند سطح آشنایی با تحقیقات گذشته را مورد توجه قرار می‌دهیم.

اولین نوع آشنایی، آشنایی با وضعیت جاری رشته علمی مورد نظر در زمان معین است. این گونه آشنایی، دانش لازم را برای استفاده در متن کار بخصوصی فراهم می‌آورد و یا دانش مناسب برای رفع نیازهای متصور در موقعیت خاص را به همراه دارد. دانش مربوط به وضعیت فعلی یک علم و دانش تغییرات حاصله از تحقیقات در دوره مشخص را آشنایی موقعیتی (Situational familiarity) می‌نامیم. توجه شود که می‌توانیم بدانیم چه چیزهایی در حال حاضر شناخته شده است، بدون اینکه از چگونگی رسیدن دانش به سطح فعلی آگاه باشیم.

بسیاری از تحقیقات، تغییر قابل توجهی در موقعیت علم به وجود نمی‌آورند، بلکه تکرار تحقیقات قبلی هستند، یا احتمالاً دانسته‌های قبلی را تقویت کرده و یا به مقدار ناچیزی دانش قبلی را وسعت بخشیده‌اند و تعدیل ساده‌ای در آنها به وجود آورده‌اند و یا در کاربرد آنها افزوده‌اند. هرگاه متون تحقیقی تولید شده در دوره‌های مشخص با کلیه متون تحقیقی همان دوره که تغییرات اساسی در وضعیت علم به وجود آورده‌اند مقایسه شوند، دریافته خواهد شد که مقدار زیادی از متون موجود تنها تغییری جزئی در موقعیت علم به وجود آورده‌اند. فشرده مطلب اینکه آشنایی موقعیتی، آشنایی با عصاره دست آوردهای دانش است.

نوع دیگر آشنایی، آشنایی تاریخی (Historical familiarity) با موضوع مورد نظر است. این گونه آشنایی، دانش فعالیت‌های شخصی و گروهی محققان و نتایج به دست آمده از آن فعالیتها است. برای هر تحقیق دو چهره وجود دارد، چهره خصوصی و چهره عمومی. چهره عمومی برخلاف چهره خصوصی تحقیق متنی است که رسماً انتشار می‌یابد و در اختیار همگان قرار می‌گیرد. هر تحقیق به داستانی می‌ماند که پایانی دارد. پایان داستان چیزی است که محقق به آن دست یافته یا مطلبی است که آنرا به اثبات رسانده، یا فرضیه‌ای است که به دنیای علم عرضه کرده و یا بحثی است که به گونه‌ای علمی فرموله نموده و در معرض قضاوت دیگران قرار داده است. آنچه منتشر می‌شود یکی از چند برگردانی است که برای داستان تحقیق می‌توانست نوشته

شود. در پشت این داستان عمومی، داستان خصوصی تحقیق قرار دارد که عبارت است از راههای درست و غلطی که محقق پشت سر گذارده، موفقیتها و شکستهایی است که نصیب محقق شده است و اصلاحات و اقدامات به موقع و بی موقعی است که انجام گرفته است. آشنایی با چهره خصوصی تحقیق با مطالعه گزارشهای چاپ شده امکان پذیر نیست، زیرا معمولاً گزارشهای تحقیقی به گونه‌ای که مورد پسند دانشمندان و محققین هر رشته علمی است تنظیم و عرضه می‌شود و کمتر اثری از ماجراهایی که بر تحقیق و محقق رفته در آن مشهود است. هر گزارش تحقیقی نتایج به دست آمده از تحقیق را به اطلاع می‌رساند، اما این امکان هست که آنچه گزارش شده کوچکترین تغییری در وضعیت و موقعیت دانش به وجود نیاورده باشد.

سطوح آشنایی

چون برای حوزه‌های متفاوت تحقیق سطوح متفاوتی از آشنایی مورد نیاز است برای ساده‌تر شدن مطلب سه سطح آشنایی را مشخص می‌سازیم.

بالاترین سطح آشنایی، آشنایی بایسته یک متخصص است این نوع آشنایی که آن را با عنوان آشنایی تخصصی (Expert familiarity) می‌شناسیم، معمولاً بالاترین سطح آشنایی هم از نظر آشنایی تاریخی و هم از نظر آشنایی موقعیتی است. بدیهی است که هیچ‌کس در رشته‌های متعدد به تخصص دست نمی‌یابد، بلکه معمولاً هر فرد در یک رشته یا در یک حوزه محدود هم با تاریخچه و هم با وضعیت فعلی آن رشته علمی آشنا است. بنابراین در بسیاری از موارد آشنایی مورد نظر محقق "آشنایی برای انجام کار" (Working familiarity) است. این عنوان، خاص سطح یا درجه ثابتی از دانش برای همه موارد و همه افراد نیست، بلکه آن مقدار دانش است که برای فعالیت تحقیقاتی ویژه‌ای ضروری است.

کمترین سطح آشنایی، آشنایی خشک و خالی از وجود نوع مشخصی دانش یا نوع مشخصی تحقیقات انجام شده یا تحقیقات در حال اجرا می‌باشد. این سطح آشنایی کمتر از آن است که بتوان برای انجام تحقیق از آن بهره گرفت، اما آن قدر هست که به محقق اجازه دهد در صورت نیاز آنچه را می‌خواهد بیابد تا آشنایی خود را به سطح مورد نیاز برساند. آشنایی مختصر، دانش مباحث دانش و تحقیقات است، محقق می‌تواند با عناوین مباحث دانش در حوزه‌ای خاص آشنا باشد ولی از محتوای مباحث آگاه نباشد.

پس از ذکر موارد بالا می‌توان برای اهداف گردآوری اطلاعات علمی ضابطه‌ای مشخص کرد و سائلی که محقق از طریق آنها به این اهداف دست می‌یابد را شرح داد. هر محقق می‌کوشد تا برای حوزه‌های تحقیقی متفاوت به انواع و سطوح متفاوتی از آشنایی دست یابد. الگوهای عادی احتمالی عبارتند از تداوم:

- (۱) آشنایی موقعیتی در سطح تخصصی در حوزه اصلی کار فعلی و حوزه‌هایی که وی در آینده به تحقیق خواهد پرداخت;
- (۲) آشنایی تاریخی در سطح تخصصی با تحقیقات رقبای تحقیقاتی;
- (۳) سطح بالایی از هر دو نوع آشنایی - تاریخی موقعیتی - با تحقیقات جاری که در موقعیت موازی با کار وی قرار دارند;
- (۴) آشنایی در سطح انجام مطلوب کار با حوزه‌های علمی دیگر که بالفعل می‌توانند در تحقیقات محقق تأثیر مثبت داشته باشند;
- (۵) آشنایی مختصر تاریخی با موقعیتی - با حوزه‌های علمی دیگری که امید کمتری به دریافت کمک از آنها وجود دارد.

موجه‌ترین توضیحی که برای الگوهای بالا می‌توان ارائه داد این است که سطح آشنایی مناسب برابر است با مقدار انتظار محقق از تأثیری که سایر تحقیقات می‌توانند بر تحقیق وی داشته باشند. به بیانی دیگر آنچه که دیگران انجام داده یا می‌دهند تنها در صورتی قابل توجه می‌باشد که بتوانند بر آنچه که وی انجام می‌دهد یا در آینده انجام خواهد داد تأثیر داشته باشند. عقل سلیم حکم می‌کند که سطح توقع محقق از مقدار تأثیر، اقدامات گردآوری اطلاعات وی را جهت و نیرو می‌بخشد. هرچه امکان تأثیر زیادتر باشد توجه و کوشش جهت بالا بردن آشنایی نیز زیادتر می‌شود.

شیوه محققان برای رسیدن به سطح آشنایی مورد نظر

محققان برای رسیدن به هر سطح از آشنایی از دو شیوه کم و بیش شناخته شده پیروی می‌کنند. هر محقق در برهه‌ای از زمان از مجموعه‌ای دانش و مهارت برخوردار است. این مجموعه از دوره آموزش رسمی دانشگاهی و از تجربه علمی پرداختن به تحقیقات بعدی حاصل شده است. افزون بر این، هر محقق از الگوی مشخصی جهت کسب اطلاعات استفاده می‌کند. عام‌ترین الگویی که محققان به کار می‌برند عبارتست از مطالعه و یا مرور مرتب چند مجله هسته رشته (Core journals)، گفتگو و یا مکاتبه با همکاران در قالب یا بیرون از قالب دانشگاه نامرئی (Invisible college)، مطالعه مرتب چکیده‌های مقالات، نقدها و بررسی کتابها و حضور مرتب در سمینارها و کنفرانسها (دیانی، ۱۳۶۱، ص ۴۲). با این روش، هر محقق مجموعه‌ای از منابع اطلاعاتی، فهرستی از اشخاص و مجموعه‌ای از استاد و مدارک فراهم می‌آورد که در صورت نیاز به آنها مراجعه می‌کند.

مطالعه هر متن جدید نیز این امکان را به وجود می‌آورد که محقق با منابع مورد استفاده در

نوشته آشنا شود، گفتگو با محققان و مطالعه متونی که آنها توصیه می‌کنند نیز الگوی مطالعاتی محقق را تعدیل و تکمیل می‌کند. البته، شیوه یا نوع خاصی کوشش مستمر برای کسب اطلاعات مرتبط با تحقیق فعلی و تحقیقات آتی هر محقق از بافت واحدی پیروی نمی‌کند، بلکه مقدار اطلاعاتی که گردآوری می‌شود، مقدار انرژی و وقتی که برای این کار صرف می‌شود، تأکید بر گفتگو و یا یاری گرفتن از دیگران در مقایسه با تأکید بر مطالعه این یا آن گروه از نوشته‌ها، درجه وابستگی موضوع به تاریخچه حوزه علمی و وسعت و عمق دانش مورد نظر نه تنها از شخصی به شخص دیگر متفاوت است، بلکه احتمالاً به طور نظام یافته‌ای در حوزه‌های علمی متفاوت از یکدیگر متمایز هستند.

پرسش مطرح این است که آیا تنها براساس الگوی جاری گردآوری اطلاعات هر محقق، نوع و درجه آشنایی لازم با تحقیقات گذشته میسر می‌باشد؟ بدون تردید چنین نیست و لازم است جستجوی منظم و مرتب در گروه مشابهی از تحقیقات قبلی در همان رشته به "رویکرد فعلی" محقق افزوده شود. لازم است تا در عبارت گروه مشابهی از تحقیقات قبلی در همان رشته تأکید شود، زیرا رشد فزاینده اطلاعات یا انتشارات، دستیابی به صورت جامعی از نوشته‌های موضوع مورد نظر در ابتدا یا حین تحقیق را غیر عملی و غیر مفید ساخته است. روال کار این است که محققان در ابتدا بعضی از مهمترین انتشارات اخیر را که با موضوعات تحقیقات آنها در ارتباط است مطالعه می‌کنند و در طی تحقیق خود، به بررسی متون و مطالعه سوابق موضوع مورد نظر ادامه می‌دهند.

گزارشهای تحقیق و خدمات کتابخانه‌ها و مراکز اسناد

پرسشی که در ابتدای این مقاله مطرح شد مجدداً مطرح می‌شود و آن اینکه گزارشهای قبلی برای تحقیقات فعلی از چه جایگاهی برخوردارند و استفاده از آنها برای تحقیقات جدید تا چه مقدار ضروری است؟

چون بیشتر محققان طی دوران آموزش رسمی، خود را به سطح آشنایی تخصصی با رشته مورد نظر می‌رسانند و چون معمولاً تحقیقات بعدی محققان دنباله تحقیقات قبلی آنها است و یا از درون تحقیقات قبلی آنها نشأت می‌گیرد، بنابراین، هم از وضعیت تاریخی و هم از وضعیت موقعیتی موضوع مورد تحقیق خود مطلع هستند و بهره‌گیری از نوشته‌ها برای این گونه آشنایی نه ضروری است و نه از کفایت لازم برخوردار است. هرگاه محقق در موضوعی به تحقیق پردازد که با آن در سطح تخصصی آشنایی ندارد، راه حل موجود مطالعه گزارشهای اصلی آن موضوع نیست، بلکه افزودن یک متخصص به تیم تحقیقاتی نقص موجود را برطرف می‌کند. آشنایی در سطح انجام مطلوب کار و آشنایی مختصر با تحقیقات وسیله ساز (تحقیقات سایر

رشته‌ها) نیز با مطالعه متن اصلی آن تحقیقات میسر نمی‌شود. گزارشهای اصلی ابزاری ضعیف برای انتقال پیام به کسانی است که به آشنایی جزئی نیاز دارند. این گزارشها برای پیام رسانی به کسانی نوشته می‌شوند که در داخل رشته هستند و نه کسانی که در خارج از رشته به تحقیق می‌پردازند. این نوشته‌ها بسیار دقیق، بسیار فنی و بسیار جزئی‌نگر هستند. اگر اجتناب از تأثیر تحقیقات وسیله ساز صدمه‌ای غیر قابل تحمل به تحقیق خواهد زد، در آن صورت همیشه این نقیصه را می‌توان با فراهم آوردن جانشینهای مناسب نظیر مقالات و کتابهایی که به روند تغییرات در یک رشته در دوره‌های مشخص پرداخته‌اند مانند بازنگریهای سالانه (Annual reviews)، برطرف کرد. این بررسیها دانش را در دسترس کسانی قرار می‌دهند که خود نمی‌توانند دانش را از متون اصلی تحقیقات جذب کنند. دستیابی به منابع اصلی برای کسانی که نمی‌توانند به ارزیابی بپردازند، یا حتی نمی‌توانند آنها را بفهمند عاری از فایده است. اما وضعیت فعلی یک رشته و محتوی تحقیقات وسیله ساز را از طریق مطالعه منابع رده دوم بسیار بیشتر می‌توان فهمید و می‌توان به کار برد. گاه برای آشنایی با تحقیقات وسیله ساز نیز همانند آشنایی در سطح تاریخی می‌توان با افزودن محقق از رشته مربوط به تیم تحقیقاتی بر مشکل غلبه کرد.

به نظر می‌رسد که کتابداران بیش از حد لزوم بر نقش مطالعه تحقیقات خود رشته و متون اصلی تحقیقات وسیله ساز در تحقیقات جدید تأکید دارند و احتمالاً به همین دلیل نیز منافع حاصل از بهبود دستیابی فیزیکی و کتابشناختی به منابع تحقیق را بیش از اندازه برآورد می‌کنند. روشن است که برخی محققان از غفلت خود در آشنایی و دستیابی به تحقیقات دیگران رنج می‌برند، ولی نباید تصور کرد که با بهبود دستیابی به تحقیقات دیگران، از این رنج کاسته می‌شود. بسته به رشته مورد تحقیق و بسته به شیوه اطلاع‌یابی، محقق ممکن است از نوشته‌های دیگران بسیار زیاد یا کم استفاده کند. نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که اگر از تحقیقات دیگران کم استفاده می‌شود، این مورد را نباید به عدم دسترسی تعبیر کرد و نتیجه گرفت که بهبود دسترسی فیزیکی و کتابشناختی بهره‌وری را افزایش می‌دهد. بلکه، به احتمال زیاد آنچه مانع بهره‌گیری است دشواری یافتن نیست بلکه دشواری فهمیدن است. بهره‌اندکی که از دریای کتابها و مجلات لاتین خوب سازمان دهی شده در کتابخانه‌های ایران گرفته می‌شود بیشتر با دشواری فهمیدن در ارتباط است تا با دشواری یافتن. مورد دیگری که حتماً باید مورد توجه قرار گیرد برآورد محقق از تأثیر سایر تحقیقات روی تحقیق خویش است. هرچه این برآورد کمتر باشد، از احتمال مراجعه به تحقیقات دیگران کاسته می‌شود.

کتابداران می‌توانند از دو جهت بر کیفیت خدمات خود بیفزایند. اول اینکه بکوشند تا عملکردهای خود را بهبود بخشند، دوم اینکه نیاز به عملکرد را از بین ببرند. به همان گونه که پزشک می‌تواند به درمان بهتر بپردازد و یا با پیشگیری نیاز به درمان را حذف کند.

کتابداران با تسهیل دستیابی فیزیکی و کتابشناختی به تحقیقات، عملکرد خود را بهبود می‌بخشند و با فراهم آوردن جانشینهای مناسب نیاز به مطالعه متون اصلی تحقیق را حذف می‌کنند و این حالتی است که مطلوب محققان است. دستیابی فیزیکی و کتابشناختی به تحقیقات گذشته، حداقل برای کسانی که روند تغییرات یک رشته را در دوره‌ای مشخص مطالعه می‌کنند و کسانی که به بازنگریهای سالانه می‌پردازند ضروری است و خواهد بود. اما دومین روش بهبود خدمات که حذف نیاز به مطالعه منابع اصلی تحقیق را دنبال می‌کند بیشتر مفید فایده است. در این روش برگردآوری و سازماندهی منابع بازنگری نوشته‌ها، بویژه بازنگریهای انتقادی صاحب‌نظران، خلاصه گزارشها، چکیده پایان نامه‌ها، کتابشناسیهای انتقادی و منابعی که عصاره تحقیقات را به نگارش در می‌آورند تأکید می‌شود.

این گونه منابع برای آشنایی موقعیتی با تحقیقات دیگران جهت انجام مطلوب کار، بویژه در موضوعاتی که بین وضعیت موجود دانش و محتوای نوشته‌های تحقیقاتی تمایز روشنی می‌توان قائل شد بسیار مفید می‌باشند.

منابع

- آذرنگ، عبدالحسین. اطلاعات و ارتباطات. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
- اسدی، علی. "تکنولوژی و نظامهای اطلاعاتی". در: مجموعه مقالات کنفرانس تکنولوژی و اطلاعات تهران ۳ تیرماه ۱۳۶۹. تهران: سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران، ۱۳۷۱.
- دیانی، محمد حسین. "کتابسنجی". نشر دانش، سال سوم، ش ۲ (۱۳۶۱).
- دیانی، محمد حسین. نکات اساسی در تحقیقات تاریخی. فصلنامه مطالعات تاریخی. سال اول، ش ۲ (۱۳۶۸)، ص ۱۵۹ - ۱۶۸.
- دیانی، محمد حسین. روشهای تحقیق در کتابداری. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- مور، نیک. چگونه پژوهش کنیم. ترجمه فاطمه رهادوست. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
- Jennerich, Elaine z. and Edward J. Jennerich.(1987). *The reference interview as a creative art*. Littleton, Colorado: Libraries Unlimited.
- Nicholls, Paul Travis.(1989) "Bibliometric Modeling. Process and the Empirical validity of lotka's Law" *Journal of the American Society for Information Science*, V. 40, No.2, 379 - 385.
- wilson Patrick and Mana Farid.(1979). "on the use of the record of research". *The Library Quarterly*, V. 49, No.2.
- Webb, Eugene J. and others.(1966). *Unobtrusive measures: nonreactive research in the social sciences*. Chicago: Rand McNally college publishing company.
- Zipf, George K.(1932). *Selected studies of the principle of relative frequency in language*. Cambridge M.A.: Harvard Univ. Press.